

عهد و گفتگو



تفسیر پاراشای هفته
توسط ربای ساکس

تفسیر پاراشای هفته: پְקוּדֵי ۵۷۷۹

پیرامون شخصیت فرد یهودی

ربای لرد جاناتان ساکس

On Jewish Character

(Pekudei 5779)

پاراشای پְקוּדֵי ی را گاهی پاراشای حسابرسی نیز می نامند، زیرا در همین زمینه و با واری حساب های پولی و جنسی اهداشده به محراب آغاز می شود. این روش تورات است برای فهماندن ضرورت شفافیت مالی به ما.

اما لابلائی سطح گاه خشکِ روایت، دو داستانِ چشمگیر رخ می دهد، یکی در پاراشای هفته پیش گفته شد و دیگری در هفته پیشتر که هر دو نکته عمیقی درباره طبیعت فرد یهودی دربر دارند که تا امروز صدق می کنند.

داستان نخست به محراب مربوط است. خدا به موسی گفت که از مردم بخواهد کمک مالی بیاورند. برخی طلا آوردند، برخی نقره، برخی مس. برخی پشم، کتان یا پوست حیوانات و برخی چوب اقاویا، روغن، ادویه یا عود هدیه دادند. برخی سنگ های قیمتی برای صفحه روی سینه کاهن اعظم پیشکش آوردند. نکته مهم، میل آنها به هدیه دادن بود:

افراد قوم به خواست خود چندین صبحِ پیایی، هدیه آوردند. از این رو، کارگرانی که مشغول کارهای محراب بودند، از کار خود دست کشیده، به موسی گفتند: "همه قوم دارند خیلی بیش از آنچه برای انجام فرمان خدا لازم است، هدیه می آورند."

پس موسی فرمانی داد و در اردوگاه چنین اعلام کردند: "هیچ مرد یا زنی دیگر برای محراب پیشکش نیورد." به این ترتیب، مردم از آوردن پیشکش های بیشتر منع شدند، زیرا آنچه اینک داشتند، بیش از حد نیاز برای پایان کار بود. (خروج ۷-۳:۳۶)

آنها بیش از حد ضرورت، پیشکش آوردند. موسی باید آنها را متوقف می کرد. این آن بنی اسرائیلی نیست که ما به دیدنش عادت داریم و اهل بگو مگو و جدال و قدرشناس هستند. اینها مردمی هستند در اشتیاق بخشنده گی.

در یک پاراشای پیش از این، روایتی به کلی متفاوت خواندیم. قوم نگران بود. موسی مدتی طولانی بود که در کوه به سر می برد. آیا او هنوز زنده بود؟ آیا برایش اتفاقی افتاده بود؟ در این صورت، دیگر چگونه می بایست کلام خدا را دریافت کنند و از کجا بدانند چه کار کرده، کجا بروند؟ روی آوردن آنها به ساختن یک گوساله در اصل برای داشتن یک واسطه وحی بود، یک شیء که از طریق آن بتوان رهنمودهای الهی را شنید.

بنا به بهترین تفسیر، اهرون [هارون] فهمید که نخواهد توانست با رد مستقیم تقاضای آنها جلوی شان را بگیرد، به این دلیل، یک مانور بازدارنده اجرا کرد. او به قصد کندساختن آنها نقشه ای ریخت که کار به تاخیر بیفتد تا شاید موسی سر برسد. او چنین گفت:

اهرون [هارون] به آنها پاسخ داد: "گوشواره های طلائی را که همسران، پسران و دختران شما به تن دارند، بگیرید و نزد من بیاورید." (خروج ۲:۳۲)

بر اساس یک میدراش، این کار می توانست موجب دعوا در خانواده ها بشود و طرح به تاخیر بیفتد. اما برعکس، بلافاصله پس از آن بی هیچ درنگی می خوانیم:

پس همه قوم گوشواره های خود را کهنه، نزد اهرون [هارون] بردند. (خروج ۳:۳۲)

دوباره همان سخاوتمندی. اینک این دو طرح کم شباهت به همدیگر نیستند. اما یکی از آنها، یعنی محراب، مقدس بود. دیگری، یعنی گوساله، به بت نزدیک بود. ساختن محراب، یک میتصوای [فریضه] والا بود؛ ساختن گوساله، گناهی وحشتناک. با این حال، پاسخ آنها در هر دو مورد یکسان بود. از این رو حکیمان چنین تفسیر کرده اند:

کسی از طبیعت این مردم سردر نمی آورد. اگر برای یک گوساله به آنها فراخوان داده شود، آنها پیشکش می دهند. اگر فراخوان برای محراب باشد، آنها پیشکش می - دهند. [تلمود یروشلمی، شکالیم ۱، ۴۵]

عنصر مشترک، سخاوتمندی بود. یهودیان ممکن است همیشه انتخاب های درست برای بخشش انجام ندهند، ولی آنها بخشش می کنند.

در قرن دوازدهم، موسی بن مایمون هنگام شرح قوانین در *میشنه توراه*، دو بار لحن آرام و حقوقی خود را قطع می کند تا همین منظور را بیان دارد. او هنگام صحبت در مورد *صدقا* یا کمک خیریه می گوید:

ما هرگز ندیده یا نشنیده ایم که یک جامعه یهودی، بدون صندوق خیریه وجود داشته باشد. [قوانین هدیه دادن به تهیدستان، ۹:۳]

این که یک جامعه یهودی بدون شبکه ای از تدارکات خیریه وجود داشته باشد، تقریباً قابل تصور نبود. جلوتر در همان کتاب، موسی بن مایمون می گوید:

ما موظف هستیم که در اجرای فریضه صدقا بیشتر از اجرای هر دستور مثبت دیگر کوشا باشیم، زیرا صدقا نشان فرد صدیق و فرزند خلف ابراهیم پدر ما است، چنان که آمده، "زیرا او را می شناسم که فرزندان خود را دستور به ... صدقا خواهد داد" ... اگر کسی بیرحم است و از خود رحمت نشان نمی دهد، دلیل کافی وجود دارد که نیاکان او را زیر سوال ببریم، زیرا بیرحمی فقط در میان اقوام دیگر رایج است ...

هر کس از دادن صدقه خودداری کند، بلیال نامیده می شود، همان کلمه ای که به بت پرستان اطلاق می شود. [قوانین هدیه دادن به تهیدستان ۳-۱:۱۰]

موسی بن مایمون در اینجا منظوری بیشتر از این دارد که یهودیان صدقه می دهند. او می گوید که برنامه مشارکت در کار خیریه در ژن های یهودیان ثبت شده و این بخشی از دی ان ای موروثی ما است. این یکی از نشانه های فرزند ابراهیم بودن است، به گونه ای که اگر کسی صدقا ندهد، "دلیلی می شود برای شک کردن به نیاکان او". خواه، این ناشی از طبیعت باشد یا اکتسابی، یهودی بودن، یعنی بخشش کردن.

جغرافیای سرزمین اسرائیل نکته ای خیره کننده دارد. این سرزمین دو دریا دارد؛ دریای جلیله و بحر المیت. دریای جلیله سرشار از زندگی است. بحر المیت، همان گونه که از نامش پیداست، چنین نیست. اما آنها هر دو از یک رودخانه آب می گیرند، رود اردن. تفاوت در این است که دریای جلیله آب می گیرد و آب پس می دهد. بحر المیت آب دریافت می کند، اما آب پس نمی دهد. دریافت کردن و پس ندادن، هم در جغرافیا و هم در روانشناسی یهودیان، خیلی ساده به معنای نبودن زندگی است.

چنین بود در زمان موسی. چنین است امروز. در هر کشوری که یهودیان زندگی می کنند، میزان کمک های خیریه آنها یکسره خارج از تناسب با تعداد اعضای آنها است. در یهودیت، زیستن، یعنی بخشش کردن. شبات شالوم

Jonathan Sacks

The Office of Rabbi Sacks

برای دیگر آثار رای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - www.rabbisacks.org
کلیه حقوق محفوظ است • دفتر رای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian